

تاریخ یک‌هزار ساله در قاب ثبت جهانی



مجموعه بازار تاریخی تبریز به عنوان یازدهمین اثر ثبت جهانی ایران در سی و چهارمین جلسه سازمان یونسکو که در کشور برزیل برگزار شد، به عنوان بزرگ‌ترین سازه سرپوشیده جهان و بخشی از شاهراه ابریشم به ثبت جهانی رسید.

مجموعه بازار تاریخی تبریز به عنوان یازدهمین اثر ثبت جهانی ایران در سی و چهارمین جلسه سازمان یونسکو که در کشور برزیل برگزار شد، به عنوان بزرگ‌ترین سازه سرپوشیده جهان و بخشی از شاهراه ابریشم به ثبت جهانی رسید.

به گزارش خبرگزاری فارس از تبریز، بازار تبریز بزرگ‌ترین بازار سرپوشیده جهان و یکی از شاهکارهای معماری ایرانی است. این بازار در سال 1193 هجری قمری بر اثر زلزله با خاک یکسان شد اما طولی نکشید که به همت مردم شهر بازسازی شد. شهر تبریز به مناسبت قرار گرفتن در مسیر جاده ابریشم از دیرباز مرکز مبادله کالا میان خاور دور و اروپا بوده و وصف بازارهای آن در خاطرات بسیاری از بازرگانان و جهانگردان آمده است.

تبریز به سبب قرار گرفتن در سر راه شرق و غرب، از بدو پیدایش مرکز مبادله کالاهای بازرگانی کشورهای اروپایی و آسیایی بوده است و خود نیز بنا به مقتضیات جغرافیایی، محصولات کشاورزی و صنعتی را به دورترین نقاط جهان صادر می‌کرده و این تبادل اقتصادی ایجاد می‌کرد که بازارها و مرکزی برای مبادله و فروش کالاهای شرق و غرب در آن به وجود آید. بازار تبریز هم اکنون به طول یک کیلومتر بزرگ‌ترین مجموعه به هم پیوسته و مسقف دنیاست و در سال 1354 در فهرست آثار ملی ثبت شده است.

طاق‌ها و گنبد‌های مقرنس بلند آن، سازه‌های آجری به هم پیوسته، آرایش مغازه‌ها، کثرت تیمچه‌ها، وجود انواع مشاغل و تعداد زیادی مدرسه و مسجد که در کنار سراهای بازرگانی قرار گرفته‌اند، این بازار را نمونه‌ای عالی از محیط تجارت و زندگی اسلامی و شرقی ساخته است.

سبک معماری، کثرت سراه‌ها و تیمچه‌ها همچنین وجود تعدادی مدرسه و مسجد نیز به این مجموعه اهمیت و امتیازی خاص داده‌اند. از تاریخ بنای اولیه مجموعه بازار تبریز اطلاعی در دست نیست اما اکثر مورخان، جغرافی‌نویسان و جهانگردان اسلامی و خارجی که از قرن چهارم هجری تا عهد قاجار از تبریز دیدن کرده‌اند، اسناد مهم و مدارک ارزنده‌ای را درباره بازار و وضع بازرگانی تبریز ارائه داده‌اند. از مقدسی در قرن چهارم هجری، یاقوت حموی در 610 هجری، زکریا بن محمد قزوینی در 650 هجری، مارکوپولو در اواسط نیمه دوم قرن 7 هجری (1271 میلادی)، کشیش اودوریک در 721 هجری، ابن بطوطه در 730 هجری، آمبروزیو کنتارینی در 878 هجری (1474)، حمدالله مستوفی در قرن هشتم هجری، کلاویخو در 807 هجری، جان کارت رایت انگلیسی در 1015 هجری (1606 میلادی)، شاردن در زمان شاه سلیمان صفوی، تاورنیه فرانسوی در 1046 هجری، کاری ایتالیایی در 1052 هجری، جملی کاردی جهانگرد ایتالیایی و ده‌ها سیاح و مورخ دیگر مطالب جالب توجهی به جای مانده که دال بر اهمیت مجموعه بازار در دوره‌های مختلف بوده است.

ابن بطوطه سیاح مشهور که در سال 731 هجری قمری وارد تبریز شده می‌گوید: «بازار تبریز یکی از بهترین بازارهایی بود که من در همه شهرهای دنیا دیده‌ام».

من به بازار جواهریان رفتم، بس که از انواع جواهرات دیدم چشم خیره گشت. همچنین تاورنیه نیز در سال 1046 هجری قمری از بازار تبریز دیدن کرده و آن را ستوده است. شوالیه شاردن فرانسوی نیز تبریز را دارای عالی‌ترین بازارهای آسیا دانسته و با اظهار شگفتی از گنبد‌های زیبا و طاق‌های دیدنی، بازار هشت گوش و وسیع قیصریه را زیباترین بخش بازار تبریز دانسته است.

حمدالله مستوفی مورخ و جغرافیدان معروف قرن هشتم ضمن تعریف خوبی و فراوانی غلات و میوه‌های تبریز و اشاره به مزیت پاره‌ای از انواع مخصوص گلابی، سیب، زردآلو و انگور آن مردم این شهر را اعم از فقیر و غنی اهل کسب و داد و ستد معرفی کرده و یادآور شده که در آن دیار متمول بسیار است.

وجود مدارس و مساجد تاریخی مهم و معروفی چون مسجد جامع، مدرسه حاج صفرعلی، مدرسه صادقیه در این بازار نیز گواه بر پیشینه تاریخی این مجموعه بنا است.

بازار کنونی تبریز مربوط به اواخر زندیه (یعنی بعد از زلزله‌ای که در سال 1193 هجری قمری روی داد) و عصر قاجار است. در زمان عباس میرزا که تبریز ولیعهدنشین و دارالسلطنه شد، سراه‌ها، تیمچه‌ها و بازارهای عالی تازه‌ای احداث شد.

بازار تبریز با طاق‌ها و گنبد‌های بلند آجری شامل بازار امیر، بازار کفاشان، راسته بازار، بازار حلاجان، یمینی دوز بازار، راسته کهنه، بازار حاج محمد حسین، بازار مشیر بازار، بازارچه صفی، بازار امیر ابوالحسن، سرای حاج رسول، سرای حاج میرزا علی نقی، تیمچه و سرای شیخ کاظم، تیمچه حاج صفرعلی، تیمچه و دالان میرزا شفیع و تیمچه ملک است که به اختصار به آنها اشاره می‌شود.

بازار تیمچه امیر یکی از شاهکارهای جالب معماری و با شکوه‌ترین تیمچه‌های بازار تبریز به حساب می‌آید. تیمچه حاج صفرعلی بنایی است معظم که بانی آن حاج صفرعلی خوبی بازرگان معروف معاصر فتحعلی شاه قاجار است.

تیمچه مظفر یه نیز یکی از زیباترین بخش‌های بازار است که حاج شیخ جعفر قزوینی تاجر سرشناس دوره ناصرالدین شاه آن در سال 1305 ساخته بود و به مناسبت حضور مظفرالدین میرزا ولیعهد وقت در این تیمچه به نام مظفریه نامگذاری کرد.

راسته‌های معروف بازار تبریز نیز شامل بازار امیر، پشت بازار امیر، بازار کفاشان، بازار حرم‌خانه، راسته بازار، یمینی دوز بازار، بازار حلاجان، قیز بستی بازار، بازار سراجان، راسته کهنه یا قدیم، بازار کلاه دوزان، دلاله زن بازار، بازار صادقیه، بازار مسگران، بازار حاج محمد حسین، بازار مشیر، بازارچه شتران، بازار صفی، بازار میر ابوالحسن، بازار شیشه‌گرخانه، رنگلی بازارچه (بازارچه رنگی) و بازارچه خیابان است.

در همه این بازارها، تیمچه‌ها، سراها و چهارسوهایی هست که حجره‌ها و مغازه‌های آنها مرکز عمده فروشی اجناس گوناگون داخلی و خارجی است.

اغلب تیمچه‌ها و سراها سه طبقه‌اند طبقه زیرین مخصوص نگهداری کالا یا به عبارت دیگر انبار مال‌التجاره، طبقه دوم تجارت‌خانه و محل کار و طبقه سوم محل استراحت است.

*تاریخ يك هزار ساله در قاب ثبت جهانی

می‌گویند بزرگ‌ترین بازار سرپوشیده جهان است، بیش از هزار سال عمر دارد، شجره‌نامه‌اش را ناصر خسرو و مارکوپولو و ابن بطوطه و شاردن و کلاویخو نوشته‌اند، هیچ‌کس نیست که ادعا کند همه جایش را دیده و به همه سویش سرک کشیده، تازه‌واردان در آن به راحتی گم می‌شوند، خودش به تنهایی یک شهر است، می‌توان سال‌ها درونش ماند و بی‌نیاز به دنیای بیرون زندگی کرد و خلاصه در یک کلام تجارت‌خانه‌ای است با 16 راسته، 14 دالان، 20 تیمچه، 25 سرا، هفت چهارسوق، 8 هزار دکان، 14 مسجد و تعدادی مدرسه، حمام و زورخانه در فضایی به وسعت یک کیلومتر مربع.

بازار تبریز، بازاری است همچون دیگر بازارهای تاریخی ایران و با همان فضاها و عناصر، اگر با دید معمارانه بنگریم شاید احساس کنیم که شبیه آن را در بسیاری شهرها، از یزد، کرمان و نائین گرفته تا تهران، اصفهان و شیراز دیده‌ایم اما خوب که بنگریم آن را بی‌نظیر و یگانه می‌یابیم.

آری، بازارهای کرمان، کاشان و قزوین هم همین طاق‌های ضربی و آجرکاری‌های زیبا و رسمی‌بندی‌های چشم‌نواز و شاید بهترش را دارند اما کو آن اعتبار اقتصادی و اجتماعی پیشین؟

در این وانفسا، شاید فقط بازار تبریز است که دامان خویش را از این معرکه تا حدودی به دور نگاه داشته. این بازار از هزار و اندی سال پیش لحظه‌ای از تکاپوی اقتصادی و اجتماعی باز نمانده است، نه زلزله دوره زندیه تباهاش کرد، نه رکود اقتصادی عصر قاجار از رونقش کاست و نه نهضت پاساژسازی دوران معاصر توانست رقیبی برایش برآید.

*بازاری در قلب شهر، شهری بر لب جاده

بازار تبریز، همزاد تبریز است اما چون به درستی نمی‌دانیم که این شهر کی و چگونه بنیان نهاده شد، از آغاز کار بازارش هم آگاهی چندانی نداریم، همین قدر می‌دانیم که تبریز در سده‌های نخستین اسلامی شهری آباد بود.

طبق افسانه‌ای کهن، تب شدید زبیده خاتون همسر هارون‌الرشید عباسی در این شهر فرو ریخت و از این رو تبریز (تب ریز) خوانده شد.

این داستان گرچه راست هم نباشد اما می‌تواند آبادانی تبریز در سده دوم هجری قمری را گواهی دهد.

در این هنگام تبریز یکی از گذرگاه‌های پراهمیت در جاده ابریشم بود. این جاده که از چین آغاز می‌شد، از خراسان می‌گذشت و پس از رسیدن به ری، دو شاخه می‌شد؛ شاخه نخست به بغداد می‌رفت و شاخه دوم از راه تبریز به آسیای صغیر (ترکیه امروزی) می‌رسید. تا زمانی که بغداد زیر سلطه خلفای عباسی بود، یعنی تا میانه سده هفتم هجری قمری، شاخه دوم اهمیت کمتری داشت و یک راه فرعی به شمار می‌آمد اما زمانی که هولاکوخان مغول طومار خلافت عباسی را درهم پیچید و روزگار شکوه بغداد سپری شد، شاخه دوم یا همان راه تبریز وضع بهتری پیدا کرد.

اندکی بعد جانشینان هولاکوخان که سلسله ایلخانان ایران را بنیان نهادند، تبریز را به پایتختی برگزیدند و یک سبب دیگر بر اسباب رونق بازرگانی در این شهر افزوده شد.

علاوه بر ناصر خسرو و مرساتی (مرسالت بر وزن مسجد) که در سده چهارم هجری قمری بازار تبریز را دیده‌اند و از گستردگی داد و ستد در آن سخن گفته‌اند، یاقوت حموی جغرافیدان اسلامی نیز بازار تبریز را در سال 615 هجری قمری یعنی در سال‌های نخست یورش مغولان به ایران چنین وصف کرده است:

در آن شهر از پارچه‌های عبایی، سقلاطون، اطلسی و سجاده زیاد به عمل می‌آید و به دیگر شهرهای شرق و غرب صادر می‌شود.

و مارکوپولو، جهانگرد ونیزی که در سال‌های 670 تا 695 هجری قمری شهرهای مختلف آسیا را زیر پا نهاد، درباره تبریز می‌نویسد:

موقعیت تجاری تبریز به قدری خوب است که بازرگانان از همه سو، از هندوستان، بغداد، موصل و هرمز برای خرید و فروش به آنجا می‌آیند. بهترین سنگ‌های قیمتی و مرواریدهای اعلی را می‌توان در این شهر به دست آورد. بازرگانانی که با خارجه داد و ستد می‌کنند، زود متمول و متمکن می‌شوند.

مساجد و حوزه‌های علمیه‌ای که در قلب بازار یا کنار آن قرار دارند موقعیت بازار در خیزش علیه استبداد پهلوی را ارتقا بخشیدند و آن را به نبض تحولات تبریز و به تبع آذربایجان تبدیل کردند.

توصیف ابن بطوطه، جهانگرد مراکشی که در سال 731 هجری قمری و پس از دوران پایتختی تبریز به این شهر آمده از این هم روشن‌تر است و نشان می‌دهد که بازار شهر به چه پایه رونق داشت.

او می‌گوید: روزی که از دروازه بغداد به شهر تبریز وارد شدیم، به بازار بزرگی که بازار غازان خوانده می‌شد رسیدیم و آن بهترین

بازارهایی بود که من در همه شهرهای دنیا دیده بودم. در این بازار هریک از اصناف و پیشه‌وران محل مخصوصی برای خود دارند. من به بازار جواهرفروشان وارد شدم و آنقدر جواهرات گوناگون دیدم که چشم خیره شد...

پایتختی تبریز در روزگار ایلخانان دیرنی‌نپایید اما تاثیر زیادی بر شکوه این شهر، به ویژه بازارش بر جای نهاد. زنجیره تعریف و تمجید جهانگردان از بازار تبریز ادامه پیدا کرد و در روزگاری که شاردن، جهانگرد فرانسوی به این شهر آمد، به اوج رسید. پیش از آن یک بار در زمان سلسله آق قویونلو (سده 9 هجری) و دیگر بار در آغاز کار صفویان (سده 10 هجری) تبریز برای دومین و سومین بار پایتختی را تجربه کرده بود و بر شکوه پیشین افزوده بود. وقتی شاردن در سده 11 هجری به بازار تبریز قدم نهاد، آن را اینگونه یافت:

من کلاهی نمی‌شناسم که در این شهر فروشگاه یا انباری نداشته باشد. بهترین دستارهای ایرانی در تبریز تهیه می‌شود. بازرگانان بزرگ شهر برایم تعریف کردند که سالانه 6 هزار عدل ابریشم در کارگاه‌های این شهر بافته می‌شود.

تجارت تبریز در سراسر ایران، عثمانی، روسیه، ترکستان، هندوستان و ساحل دریای سیاه گسترده شده است. روزگار خوش بازار تبریز تا پایان دوره صفوی ادامه پیدا کرد. می‌توان حدس زد که با رکود اقتصادی ایران در واپسین سال‌های زمامداری صفویان و پس از آن در دوره شورش افغانان و باز به روزگار نادرشاه که پیوسته در کشورگشایی بود و مالیات‌های سنگین بر رعایا می‌بست، بازار تبریز از فراز به فرود رسید اما مصیبت بزرگ در سال 1193 هجری قمری یعنی در دوره زندیه نازل شد. زلزله‌ای که اکنون تخمین زده می‌شود 6.7 ریشتر شدت داشت، تبریز را به خاک سیاه نشاند و از بازار، جز تلی از خاک باقی نماند. اما تبریز نه پشت کوه بود و نه میان بیابان که بتوان به امید خدا رهایش کرد و از بازسازی‌اش چشم پوشید. تبریز همسایه امپراتوری عثمانی و کانون داد و ستد با روسیه و اروپا بود.

به همین سبب خیلی زود دست به کار بازسازی‌اش شدند و تاریخ می‌گوید که افتخار این خدمت به نام نجفقلی‌خان دنبلی بیگلربیگی یا همان حاکم وقت تبریز ثبت شده است.

در بازسازی تبریز، بارویی با هشت دروازه به دور شهر کشیدند و پشت اغلب آنها بازارچه‌هایی را بنا کردند که برخی از آنها به بازار مرکزی راه می‌برد.

وقتی بازسازی تمام شد، روزگار سلسله زندیه نیز به سر آمده بود و قدرت در دست ایل و تبار قاجار قرار گرفت. قاجارها از همان آغاز، درگیر جنگ در قفقاز شدند، ابتدا آقا محمدشاه فتوحاتی را در آن نواحی به انجام رساند و سپس در زمان جانشینش فتحعلی‌شاه، روسیه تزاری پیشروی در قفقاز را آغاز کرد.

بنابراین تبریز به عنوان بزرگ‌ترین شهر نزدیک به صحنه نبرد، اهمیت زیادی پیدا کرد. عباس میرزا فرزند و ولیعهد فتحعلی‌شاه و فرمانده جنگ با روسیه، عموماً در تبریز اقامت داشت و همین باعث شد که تبریز در دوران پس از او همچنان ولیعهدنشین بماند.

از بعد اقتصادی، بخش بزرگی از تجارت خارجی ایران با روسیه بود و همین طور با عثمانی و اروپا. به این سبب، تبریز مرکز واردات و صادرات به شمار می‌آمد و بازارش اهمیت زیادی داشت.

این اهمیت اقتصادی، اعتبار سیاسی را نیز به همراه آورد و به ویژه در جنبش مشروطه ایران نقش بازار تبریز در خیزش علیه استبداد قاجار و خصوصاً پایان دادن به خودکامگی‌ها و مشروطه‌ستیزی‌های محمدعلی‌شاه قاجار بسیار پررنگ بود.

در نهضت امام خمینی(ره) و پیروزی انقلاب اسلامی نیز بازار تبریز همین نقش را بار دیگر ایفا کرد. مساجد و حوزه‌های علمیه‌ای که در قلب بازار یا کنار آن قرار دارند، موقعیت بازار در خیزش علیه استبداد پهلوی را ارتقا بخشیدند و آن را به نبض تحولات تبریز و به تبع آن آذربایجان تبدیل کردند.

هم از این روست که ثبت جهانی بازار تبریز پیش از آن که ثبت یک بافت تاریخی و آثار معماری باشد، ثبت آیینه تمام‌نمای تاریخ ایران و شیوه زندگی ایرانیان در یک دوره هزارساله است.